

اقتصاد امریکا و اروپا

در مقابل یکدیگر

ترجمه رضا عقیلی

اروپا کم کم بخود شکل میگیرد. خواه ناخواه مهلت مندرج در پیمان «رم» را صرفا بدان جهت که بروی کاغذ آمده و نمیتوان عقب نشینی نمود، محترم میشمارد. هرچه روز اول ژوئیه ۱۹۶۸ نزدیکتر میشود رعب و هراس دولت فرانسه افزونتر میگردد زیرا این روز آخرین مرزهای گمرکی میان شش کشور برداشته میشود. اما آنان زیر چشمی مراقب یکدیگرند. کدامیک دیگری را خواهد بلمید؟ هیچیک از این کشورها در بند آن نیست که برای کشور همسایه اش ایجاد رعب و وحشت کند، زیرا همه از خود واهمه دارند؛ نه بخود اعتماد دارند و نه به همسایه؛ هر دولتی، دولت همسایه را دشمن خود میداند. در کارهایی که باید با تشریک مساعی یکدیگر انجام دهند، حس اعتماد وجود ندارد. از همکاری با یکدیگر برای ساختن مصنوعات تازه و وحشت دارند و معتقدند که وضع موجود را حفظ کردن و برای حفظ و دفاع از مایملک ناچیز خود، چنگ و دندان نشان دادن، بمراتب خطرناکتر است. منازعات و مبارزات داخلی مانع توسعه شده و نقایب ضخیم بر مشکل اساسی اروپا که عقب افتادگی تکنولوژیک این قاره نسبت بامریکا است، کشیده شده است آیا فقط آمریکائیا اروپا را بچشم دنیائی تازه می نگرند؟ آیا باید به ثروت خود و بازار اروپا اعتماد کنند؟ اتحاد مسلمانیک پدیده طبیعی نیست. تاریخ ثابت کرده که اغلب اتحادیه ها و «بلوک» هائی که تشکیل شده یا علیه چیزی بوده و یا بعلت ترس از چیزی بوجود آمده است؛ خطر بر اثر ترس نزدیک میشود. ترس از استعمار اقتصادی میبایستی سبب شود که ما از این اروپای درهم برهم خارج شده و بجستجوی حقیقت بر آئیم و بدانیم که چه میخواهیم سپس همه وسائل را برای رسیدن به هدف خویش برانگیزیم؛ در سال ۱۹۶۷ «ماجرای دسته جمعی» بهیچوجه جنبه جنگی ندارد بلکه جنبه اقتصادی و فنی و علمی دارد و این یگانه نتیجه ایست که از این میزگرد اتخاذ شده است. در این میزگرد که به رهبری «پیردومایه» و حضور «کلود بدوئه» بانی و موسس شرکتهای اولیه مخصوص معامله درباره پروانهها و قرار دادها و تجسسات بین اروپا و اتازونی و مشاور فنی کارخانجات فرانسه و دیگری «پیرکونیار» رئیس سازمان برنامه در قسمت تجسسات علمی و فنی و عضو ممیز کمیسیون تحقیقاتی برنامه های چهارم و پنجم و دیگری «ژاک. ژ. مزون روز» مدیر کل «آی. بی. ام»

عضو شورای اداری این موسسه و مدیر فعالیتهای بین المللی و مدیر موسسه مطالعات علمی و سومی «پیرپیکانیول» مشاور هیئت مدیره کمپانی «سن کربن» عضو شورای اداری مرکز تحقیقات علمی تشکیل گردید

سؤال :

فرانسه در سال جاری بالغ بر يك ميليون و نیم فرانك از راه فروش و امتیازات پروانه های اختراعاتی یعنی از راه فروش فکرو «ایده» سود برده است. با اینوصف آیا میتوان گفت که ما از لحاظ تکنولوژیکی عقب افتاده محسوب میشویم؟

پدوئه: «ایده» و فکر مانند مس و آهن و ذغال در حکم مواد اولیه است. ارزش آنها وقتی است که مورد استعمال قرار میگیرند راست است که فرانسه يك ميليون و نیم امتیاز اختراعاتی فروخته ولی ششصد برابر آن ایدهها را بشکل کالاهای ساخته شده خریداری کرده است. این وضع عیناً شبیه وضع کشورهای عقب افتاده است که آهن خود را بقیمت نازلی میفروشند و بجای آن فولاد بقیمت گزافی خریداری میکنند

مزون روژ: این بدان معنی است که فرانسه و اروپا نسبت به اتا زونی از لحاظ تکنولوژیکی عقب مانده است اما در زمینه تولیدات شیمیائی و کارخانجات لکوموتیوسازی و تولیدات داروئی و بالاخره صنایع ساختمانی در این رشتهها ممکن است نسبت با آمریکا جلوتر افتاده باشد.

پیکانیول: اروپا هر وقت اراده کند در باره مسائل فنی کاری انجام دهد انجام میدهد مسئله بر سر اینست که چرا اراده نمیکند. عقب افتادگی ماهمین است که ماهنوز اراده نکرده ایم.

کونیار: بعقیده من مسئله مالی در این میان سه عمده ای دارد. مسائل تجسسی و تحقیقاتی برای رئیس يك مؤسسه نگرانی فراوانی ببار میآورد خصوصاً که این تحقیقات در جهت توسعه باشد زیرا هزینه يك آزمایشگاه تحقیقاتی بسیار گران است. يك مؤسسه تولیدات شیمیائی که بالغ بر سی میلیون سرمایه گذاری کرده و یا يك مؤسسه تلویزیونی برای توسعه خود و تهیه تلویزیون رنگی بالغ بر پنجاه میلیون فرانك سرمایه اضافی نیازمند است. من از توسعه صنعتی و بازرگانی و تبلیغ کالای بحتی بمیان نمیآورم ولی اجرای يك طرح برای توسعه مؤسسه ای در زمینه صنعتی لااقل ده میلیون فرانك پول لازم دارد.

مزون روژ: آنهم با این محدودیت هایی که در منابع مالی با وجود

دارد باید در زمینه توسعه و انتخاب احسن، نموده و رعایت «الاهم فالاهم» بعمل آید. نباید پولها را بیهوده برای فلان آزمایش و یا جبران فلان عقب افتادگی بهدر داد.

کونیار : البته مقصود این نیست که ما خود را در امور درجه دوم محدود نموده و کشاورزی را بخود اختصاص داده و امور تکنیکی را برای آمریکائیا بگذاریم! بلکه باید سیاست مستقل اروپائی در زمینه‌های مختلف صنعتی و فنی پیش‌گیریم که هدفهای ما را تحقق بخشد و در عین حال در بعضی رشته‌ها ما باید نیروی خود را در پاره‌ای رشته‌های صنعتی متمرکز ساخته آنگاه با آمریکائیان پیمان ببندیم و اینرا «پارتنرشیب» میگویند

سؤال :

این سیاست باید با نیازمندی‌های مصرف -
کنندگان تطبیق کند ، در يك اقتصاد متعادل و
رقابتی هدف هر مؤسسه ای باید تهیه مشتری و
متقاضیانی باشد که بتوانند پول کالاهای خریداری
را پردازند

پیگانیول : بهمین دلیل است که مصرف‌کننده مانند تولیدکننده باید قبول مسئولیت کند .

هر مؤسسه ای برای توسعه و ایجاد کالاهای تازه احتیاج بیازار دارد .
عقب ماندگی اروپا نسبت به آمریکا در واقع فاصله بین لحظه‌ای است که کالائی در
اتازونی مورد احتیاج واقع شده و لحظه ای که همین کالا در اروپا مورد احتیاج
واقع شده است . فاصله بین این دو لحظه ، سرعت افتادگی ما است . برای توضیح
بیشتر باید عرض کنم که وقتی در اروپا کالائی مورد نیاز عمومی است ، کارخانجات
بموقع آنرا تهیه نکرده و در دسترس عموم قرار نمیدهند . ناچار کالاهای
آمریکائی وارد بازار اروپا شده و احتیاجات عمومی را مرتفع میسازد و بدین ترتیب
بر بازارهای اروپا تسلط پیدا میکنند این امر غالباً باعث بوجود آمدن پاره‌ای
انحصارات برای امریکائی‌ها میشود . تنها مسئله سطح زندگی نیست بلکه موضوع
جنبه روانی دارد بعبارت دیگر وقتی کالائی ساخت فرانسه وارد بازار فرانسه
میشود نوعی هراس و بیم بردلها مسئولی میگردد . هر کس میگوید : «صبر کنم
همسایه‌مان آنرا بخرد و امتحان کند اگر خوب از آب در آمد آنوقت منم خواهم
خرید» ملاحظه کنید همین «صبر کردن» ها چقدر وقت لازم دارد و برای اینکه
کالای ساخت فرانسه مورد قبول فرانسویان قرار گیرد ، چقدر وقت
لازم است .

بدوئه : بنظر من آمریکائیا در زمینه تولید قابل سرزنش نیستند بلکه چون ماقسمتی از بینش و دید جهانی آنها را پذیرفته ایم لذا آنها را مورد ملامت قرار میدهیم اگر ما بخواهیم بشر دوستی خود، ان را حفظ کنیم ، مشکل بزرگی بیار میاید . روحیه و طرز تفکر (مانتالیته) و بالاخره تمدن امریکائی کاملاً در محافل صنعتی رخنه کرده هماهنگ شده اند . تفوق امریکا بر این نیست که سطح اختراعات یا اکتشافات آنها برتر است بلکه برهماهنگی خارق العاده ای است که بین ابزار و وسائل کارشان موجود است . جامعه امریکائی يك ملت نیست بلکه يك «اکیپ» مثل «اکیپ» فوتبال است هر فرد را برای کار معین و مخصوص ساخته اند تا در این فوتبال عظیمی که هدف همه بازیکنان توپ است شرکت کنند در این بازی کسی «حتی اشرافی ترین افراد» بدنبال شرط بندی نیست بلکه همه بدنبال توپ که ازدلار ساخته شده ، میدوند آری ، توپ این اکیپ بازیکن «دلار» است ! .

مزون روز: کافی است که وضع بچه های ما را با اطفال امریکائی مقایسه کنید

طفل امریکائی ولو از هر خانواده ای باشد فقط و فقط بفکر استفاده است . اخیراً یکی از بنگاه های تبلیغاتی در تلویزیون امریکا پسرکی را نشان داد که يك اسکناس يك دلاری در دست گرفته بود و از خود می پرسید: «چگونه میتوانم این يك دلاری را به دو دلار تبدیل کنم؟» این روحیه و طرز تفکر مادی برای اروپائی تکان دهنده است . هنوز جامعه ما تا این حد در مادیات سقوط نکرده است . در اروپا استاد دانشگاهی را در نظر مجسم کنید که ناگهان روزی بگوید: «من ایده ای نبوغ آسادم و می خواهم آن را در صنعت بکار ببرم» آنگاه کار استادی را رها کرده و بدنبال قرض کردن پول برود تا فکرش را بمرحله اجرا گذارد من یقین دارم که همکارانش دیگر برای اوارزش قائل نبوده و او را از جامعه استادان طرد خواهند کرد .

بدوئه : اروپا هنوز نمیداند چه می خواهد و شاید جرئت اظهار آن را ندارد . ما باید مثل امریکائیان تمام هم خود را مصروف رسیدن به هدفهای نمائیم که قبلاً آنها را تثبیت کرده ایم موقعیکه يك فرد امریکائی می خواهد مگس را بکشد . فوراً دستور میدهد يك « بولدوزر » و سه توپ ضد هوائی و سی نفر کارشناس بیاورند . آنوقت با این وسائل در رأس موعده معین مشغول کشتن مگس میشود . آنچه که برای امریکائیان مهم و با ارزش است ، موفقیت و پیروزی است . آنها تابع هیچ قاعده و قانونی نیستند . هر کس بدیگری وابسته است و هیچکس بدون دیگران ارزش ندارد .

مزون روز: ما برعکس ، در اروپا در نوعی « تیغه بندی عجیب و خارق العاده ای که حتی در هر شهری وجود دارد ، زندگی میکنیم ، مردم در

داخل این تیغه بندی‌هایی که ما می‌سازیم ، احساس ناراحتی میکنند جدائی کولتورهای قضائی و اقتصادی از یکسو و علوم بشری را از سوی دیگر ، ملاحظه کنید همین تیغه بندی‌ها است که اروپا را ناراحت ساخته است . کوشش اصلی اروپا باید روی تغییر وضع و روش و پسیکولوژی صنایع متمرکز باشد . در آمریکا ازدیاد تولید و پیشرفت بصورت يك آئین مقدس درآمده و هر مؤسسه‌ای که سالانه رقم ۱۲ تا سیزده درصد اضافه تولید یا اضافه درآمد نداشته باشد ، میگویند این مؤسسه « پیشرفت » نداشته است ، در اروپا از سال ۱۹۲۰ تا ۱۹۴۵ تمام کوشش رؤسای کارخانجات بر این بود که رقم کار سال قبل را برای سال دیگر حفظ کنند بی آنکه ذره‌ای بر تولید آن بیفزایند . چرا ما بجای اینکه باشخصی که پول بدست می‌آورند ، احترام بگذاریم ، به آدمهای پولدار احترام می‌گذاریم ؟

گو نیار : صنایع آمریکا . برای مؤسسات اروپائی خطرناک شده و اروپا را بوحشت انداخته است مخصوصاً روزی که درک کند با کمک علم چه کارهائی میتواند کرد و همچنین هنگامیکه متکی بر سفارشات دولتی باشد ، محرک اصلی صنایع آمریکا از آغاز جنگ جهانی دوم ، همین سفارشات دولتی بود و بهمین دلیل است که دائماً ب فکر تازگی و نو کردن و پیشرفت هستند . در صورتیکه برای پیشرفت صنعت اروپا سه عامل لازم است :

اول دانش با ارزش . دوم صنعتی که استعداد پیشرفت داشته باشد و بالاخره محیط مساعد که همکاری در آن امکان پذیر باشد . بنظر من چنین محیطی بوجود نمی‌آید مگر اینکه دولت در بادی امر سفارشاتى بدهد همین بازارهای «تصنعی» است که صنعت آمریکا را رو به جلو برده است ایجاد بازارهای تصنعی یکی از بزرگترین عوامل پیشرفت صنعت آمریکا است .

پیگانبول : اروپا هیچیک از این عوامل بزرگ از قبیل قدرت قضائی ، قدرت دفاعی دنیا را نظیر آمریکا در اختیار ندارد . اینها است که صنایع را مجبور به پیشروی کرده و آنها را در راه ترقی می‌اندازد .

مزون روژ : در آمریکا ۵۸ درصد از اعتبارات مورد لزوم برای تجسّسات و تحقیقات از طرف دولت فدرال و ۳۵ درصد آن بوسیله صاحبان صنایع تأمین میشود . با اینکه دولت سهم عمده‌ای در این سرمایه‌گذاری دارد ولی کلیه تحقیقات بوسیله خود مؤسسه صورت می‌گیرد .

گو نیار : ولی کارخانجات و مؤسسات امریکائی وقتی از يك قرارداد دولتی سودی عایدشان میشود ، فقط ب فکر آنند که این سود را در راه دانشهای

تازه بکار برند تا در بازارهای مورد رقابت کسی را یارای برابری با آنها نباشد ، قراردادهائی که دولت امریکا با کارخانجات منعقد میکند وسیله و ابزار کار است و همین جاست که مشکلات عمده‌ای برای اروپا بیار می‌آید . ما اگر مثل امریکائیان بخواهیم تمام اعتبارات صنعتی خود را مثلاً برای تسخیر کره ماه بکار بریم ، صنعت ما مسلماً سیر قهقرائی خواهد کرد سیاست توسعه صنعتی ما باید هماهنگ با مخارجی باشد که ...

مزون روز : وقتی امریکائی‌ها دست بکار عظیمی مثل تسخیر کره ماه یا تحقیقات اتمی می‌زنند ، چنان شتابزده‌اند که می‌خواهند زودتر آنرا رها نموده و تجربیاتی را که بدین طریق بدست آورده‌اند در راه تکنولوژی بکار برند از موقعیکه موسسات بزرگ ، برنامه‌های فضائی خود را متوقف نموده‌اند ، مجبور شده‌اند در عرض چند هفته چندین هزار کارگر را از کار برکنار کنند . از آن موقع بی‌دیر دیگر نمی‌خواهند خود را کاملاً به سفارشات دولت مقید سازند . اعتبارات دولتی فرصتی است برای مؤسسات که «قدم فنی» بجلو بردارند و در مجموع صنایع کشور تکامل بوجود آورند . چهار شرکت بزرگ فضائی امریکا اخیراً دفتر مطالعاتی مشترکی بوجود آورده‌اند که در آنجا مسائل حمل و نقل هوائی بین شهرها را مورد مطالعه قرار داده و به مسائل فضائی توجهی نمیشود . اینست تکامل و پیشرفتی که میتوان از يك شرکت که با مدیران لایق اداره میشود ، انتظار داشت .

کوفتبار : وسائل ما بسیار محدود است . باید دقت کرد که به بهانه توسعه و تکامل ، از هدف دور نشویم و صرف اینکه می‌خواهیم صنایع خود را از مشکلات روزانه نجات دهیم ، آنرا برای دور نبریم ! دلیل ندارد که ما مشکلات خود را در کابین فضا نوردی جستجو کنیم و بهانه اینکه می‌خواهیم عقب افتادگی تکنولوژیکی خود را جبران کنیم بدنبال تسخیر فضا برویم ، تسخیر فضا ما را از هدف اصلی دور میکند بنظر من بهتر است ابتدا کمک کنیم که صنایع ما افکار و ایده‌های مترقیانه را با عمل تطبیق دهند و برای اینکار باید دولت لااقل بهر مؤسسه‌ای که در راه توسعه مفیدگام برمیدارد پنجاه درصد هزینه طرح توسعه را ، بعنوان وام قابل استرداد پردازد . هر مؤسسه‌ای که «ایده» و طرح توسعه دارد ، بشرطی که این طرح و این «ایده» منافع ملی را که بالا تر از منافع مؤسسه است ، در برداشته باشد بایستی مورد کمک قرار گیرد و لااقل نیمی از هزینه اجرای طرح را از پیش دریافت نماید بدین طریق است که پس از مدتی مجموع صنایع کشور بجلوگام برداشته و پیشرفت مؤثری خواهد نمود .